دانشور
رفتار
تربیت و اجتماع

بررسی هویت زن در نهـج‌البلاغـه و دلالت‌های تربیتی آن

نویسندگان: مهدی فاضلی دهکردی[1] * و دکتر محسن فرمهینی فراهانی[2]

۱. کارشناس ارشد فلسفه تعلیم وتربیت دانشگاه شاهد
۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

*Emial: mehdifazeli77@yahoo.com

● دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱
● پذیرش مقاله: ۹۲/٤/۱۵

چکیده

در پژوهش حاضر با روش تحلیل اسنادی، رویکردهای هویت زن در نهج‌البلاغه و دلالت‌های تربیتی این رویکردها، مورد بررسی قرارگرفته است. جامعـه آمـاری نامـه‌هـا و خطبـه هـای موجود در نهج‌البلاغه به عنوان منابع دست اول و مقاله ها و پـژوهش‌هـای انجـام شـده بـه عنوان منابع دست دوم، است. نمونه برداری به صورت هدفمند انجام شده وبر این اساس از منابع فوق‌الذکر، استفاده شده اسـت و بـا اسـتفاده از روش تحلیـل اسـنادی، «شخصـیت و هویت زن و دلالت‌های تربیتی آن» در نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گرفت. ابزار مورد استفاده فیش برداری بوده و یافته های پژوهش مورد تحلیل قرارگرفتند. عمده‌ترین یافته‌ها عبارتنـد از:پژوهشگران در برخورد با موضوع زن بسته به دیدگاه خود؛ یکی از چهار رویکـرد زیـر را برگزیده‌اند که عبارتست از؛۱-رویکرد اول شـرور بـودن زن :اگـر شـرور بـودن زن را ذاتـی فرض کنیم باید او را از عرصه تعلیم و تربیت دور نگه داشت تا علم که ابـزار قـوی اسـت در جهت شرارت مورد استفاده قرار نگیرد. بدین ترتیـب حـق تعلـیم را از زن سـلب مـی‌کنـد ۲- رویکرد دوم :ناقص بودن زنان: پذیرش این رویکرد نیز با پذیرش محدودیت‌های ذاتـی زنـان نسبت به مردان، نابرابری‌های جنسـیتی در عرصـه تعلـیم و تربیـت را توجیـه مـی‌کنـد ۳- یکسانی زن و مرد در همه عرصه‌ها (برخی از گروه های فمینیسـتی)؛ ایـن دیـدگاه در ظـاهر بسیاری از نابرابری‌های جنسیتی در عرصه تعلیم و تربیت را از میان می‌برد اما در تقابل با آموزه‌های، نهج‌البلاغه است چون بسیاری از تفاوت‌هـای فیزیولـوژی و ذاتـی زنـان نادیـده گرفته می‌شود و در عرصه تعلیم و تربیت موجب زیاده‌روی‌های زنانه شده و آن را در جهـت اغراض مردانه، قرار داده و نابودی بنیان خانواده را در پی دارد. ۴- رویکرد چهارم : یکسانی زن، در شرافت و کمالات با و جود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌ها است. ایـن دیـدگاه افـق‌هـای جدیدی را در تعلیم و تربیت زنان، در پیش رو قرارمـی دهـد. در پایـان از بـین دیـدگاه‌هـای گوناگون مطرح شده، یکسانی زن و مرد در شرافت و کمالات - با و جود تفاوت در نقش‌هـا و ویژگی‌ها - انتخاب و دلالت‌های تربیتی آن بررسی شد.

کلید واژه ها: هویت، زن، نهج‌البلاغه، تربیت، کرامات انسانی

Scientific-Research Journal of Shahed University Seventeenth Year, No.45 Feb.-Mar. 2011
Education and Society

دوماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد
سال هفدهم - دوره جدید
شماره ۴۵
اسفند ۱۳۸۹

مقدمه

تاریخ بشر همواره شاهد بستری از عقاید موهوم و ناهماهنگ با شخصیت وجودی زن است که این کج‌اندیشی‌ها موجب شده است که در عرصه تربیت نیز زن مورد غفلت واقع شود چنین کج‌اندیشی‌هایی هنوز در بسیاری از جوامع شرقی و غربی ادامه دارد [۱]. در جوامع غربی از دیر زمان باورهای اجتماعی تبعیض آلودی در باره زنان بوده که نشان دهنده ارزش و منزلت پایین زنان نسبت به مردان است .بخشی از این باورها، از اندیشه‌ی تحریف شده یهودیت و مسیحیت برمی خیزد [۲].یهودیان در مسائلی همچون عبادت خدا، سعادت اخروی، پاداش اعمال نیک و... هرگز زن را با مرد برابر نمی‌دانند. قدرت پدر در خانواده عملاً نامحدود بود و اگر فقیر بود می‌توانست دختران خود را پیش از بلوغ به عنوان کنیز بفروشد [۳]. در صدر مسیحیت و در دین آسمانی مسیح (ع) جنس، نژاد، ثروت، حشمت و موقعیت اجتماعی در بهره‌مندی انسان از لطف و عنایت و بخشندگی خداوند بی تأثیر شمرده می‌شد و تنها خلوص نیت و ایمان، موجب برتری افراد نسبت به یکدیگر در پیشگاه پروردگار بود [۴].اما در بستر زمان در مورد حقوق و جایگاه فردی و اجتماعی زن دیدگاه ثابت و تغییرناپذیری ارائه نشده است. برخی مسیحیان از گناه نخستین سخن به میان می‌آورند وبر این اعتقاد بودند که آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب شیطان را خورد و در تقصیر گرفتار شد. تأکید بر گناه نخستین موجب شد که در قرون وسطی چنین پنداشته شود که گناه ازلی؛ ذات انسان را آلوده کرده است. پس باید با روش‌های سخت‌گیرانه، انسان را از شری که در وجودش هست، با زرهانید [۵]. در این دوران نگرش‌های تبعیض آلودی نسبت به تعلیم و تربیت زنان وجود داشته است –ویوس (Jean-LouisVives) تنها اشتغال زن را تقوی و فضیلت می‌داند و برای زن نقشی جز حفظ سنت‌های اخلاقی در نظر ندارد –بدین ترتیب حق تعلیم را از زن سلب می‌کند [۶]. نگرش‌های تبعیض آلود نسبت به زنان را در عصر جدید نیز می‌توان در غرب مشاهده کرد، شوپنهاور، زن را موجودی با گیسو ان بلند و افکار کوتاه می‌داند. از نظر نیچه زن موجودی است که برای خدمتکاری آفریده شده است و فقط در حالت فرودستی به کمال می‌رسد [۲].در شرق نیز وضعیت زن بهتر نبوده است در نقش‌هایی که از ایران باستان برجای مانده است، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی ازایشان به نظر نمی‌رسد [۳].در چین دختران و یتیمان را در موقع قحطی به سکه‌ای چند می‌فروختند [۳].زن در هند هم، وضع خوبی نداشت زنان هند تنها در صورتی از آموزش برخوردار می‌شدند که یا بزرگ زاده و اصیل باشند، یا روسپی معابد. در هند رسم «ساتی» وجود داشت یعنی زنان بیوه خو د را با جسد همسرشان می‌سوزاندند [۳]. در عربستان، در روزگار کدر و تاریک جاهلیت پیش از اسلام شاهد خشن‌ترین نوع این کج‌اندیشی‌ها بودیم، تا آنجا که دختران به دست پدران خود زنده به گور می‌شدند [۷] .قبایل غیر عربی نیز در پایمال کردن حقوق زن کمتر از اعراب جاهلی نبودند. کشتن، شکنجه، اهانت و تضییع حقوق همه جانبه زنان در همه نقاط دنیا که نور وحی در آن نتابیده و یا دست‌خوش تحریف شده بود وجود داشته است [۷].این‌ها نمونه های کوچکی از تبعیضاتی است که برزنان روا داشته شده است. هرچند تبعیض علیه زن به عنوان امری نهادینه در تاریخ انسانی پذیرفته شده است، برخی می‌کوشند علت ریشه‌ای این تبعیض را به گردن مذهب بیندازند [۸].در صورتی که، با ظهور ادیان توحیدی، شخصیت زن احیا شد و به او ارزش و بهایی جدید داده شد، اما تحریفاتی که در برخی از این ادیان راه یافت موجب شد، تبعیضاتی برعلیه زنان ایجاد شود [۹] اگر تبعیض علیه زنان به خاطر دین بود باید این تبعیضات در دوران مدرنیسم از میان می‌رفت؛ اما می‌بینیم که در دوران مدرن از یک سو تربیت دینی به کناری نهاده می‌شود و از سوی دیگر با تکیه بر رویکردی دوئالیستی زنان، در مقابل مردان قرارمی گیرند. در مدرنیسم، تعلیم و تربیت زنان غیرعمومی (غیر فراگیر) است که به محدوده کودکان، کلیسا و آشپزخانه ختم می‌شود تعلیم و تربیت آنان مبتنی بر

رویکرد (بیولوژیک، طبقه ای، پست تراز مردان و جنسیتی) است [۱۰]. چنین نظامی بربرتری مردان نسبت به زنان تأکید می‌کرد. این عقیده که مردان برتر از زنان هستند، زمینه های خشونت علیه زنان را فراهم کرده، به نحوی که از درون فضای مدرنیسم حاکم بر اروپای شمالی و مرکزی طی سال‌های ۱۹۵۰ به بعد، جریاناتی جهت نفی خشونت علیه زنان و اعاده حقوق برابر و عادلانه زنان تحت عنوان فمینیسم[1] ظهور کرده است [۱۰] . جنبش‌های فمینیستی از جمله جنبش‌های معترض به این جریان تاریخی است که خود به جریانی افراطی تبدیل شد. فمینیست‌ها در اهداف تساوی خواهانه خود، حاضر بودند به همان ستیز جنسیتی دچار شوند که مردان مبتلا بودند و بدین ترتیب بنیادی‌ترین هسته اجتماعی یعنی خانواده را نادیده بگیرند .البته محرومیت‌های اجتماعی زنان می‌توانست چنین ستیزی را دامن بزند [۱۱]. نباید چنین پنداشت که همه کسانی که از حقوق زنان دفاع می‌کنند با فمینیسم ارتباط دارند [۱۲] . دیدگاه معرفت شناسی فمینیسم در تلاش است تا نگاه مردانه به واقعیت را به چالش بکشد. از نظر پست مدرن‌ها، هویت امری تاریخی و زمینه‌ای است و به زعم آن‌ها ما خود، دانش خود را می‌سازیم و دانش یک امر کاملاً اجتماعی و سیاسی است به علاوه ما دارای مسئولیت هستیم بدون آنکه هیچ زمینه‌ی از پیش تعیین شده وجود داشته باشد [۱۳].پست مدرن‌ها با تاکید بر ذهنیت و نفی عینیت گرایی و استعلا گرایی مدرنیستی زنان را دریک طبقه خاص قرار نمی‌دهند بلکه بر هویت سازی توسط فرد و ذهن او تاکید دارند و به همین دلیل اساس هویت را امری متغیر ساخته شده از اقتضائات ناشی از روابط قدرت می‌دانند [۱۳].

در فمینیسم پست مدرن هرگونه تفاوت، حتی تفاوت‌های فیزیولوژیکی و آناتومی بین زن و مرد را نادیده می‌گیرد و زن رامانند مرد عنصری سیاسی اجتماعی می‌داند. بنابراین تعلیم و تربیت زنان نمی‌تواند جهت گیری جنسیتی طبقه ای، خانوادگی، سیاسی و مذهبی داشته باشد و تنها تجارب سیاسی اجتماعی آن‌ها هویتشان را شکل می‌دهد. بنابراین رویکرد تعلیم و تربیت آنان رویکردی تجربی و علم محور دارد. اما علم و تجربه‌ای که خود زنان دارند و تعریفی که خود آنان دارند نه تعریفی که مردان ارایه می‌دهند. آنان دانش پیشین را نفی می‌کنند (برخلاف مدرنیسم معتقدند دانش را ما خلق می‌کنیم نه اینکه از قبل موجود بوده باشد) و آن را امری اجتماعی و سیاسی می‌دانند چون زنان را همچون مردان در خلق دانش و معرفت سهیم می‌دانند و آنان را دارای ذهنیت لازم برای خلق دانش می‌دانند بنابراین خواهان نوعی برنامه‌ی همگن برای مرد و زن هستند. آنان هویت را مبتنی بر گفتمان می‌دانند بنابراین هویت امری شخصی و نسبی است [۱۰] . فمینیسم جریانی معترضانه به مدرنیسم است که در ابتدا هرچند داعیه های به ظاهر به حقی را مطرح نمود و در زمینه های تربیتی خصوصاً در تلاش برای دستیابی به فرصت‌های برابر برای زنان موفقیت‌هایی نیز بدست آورد اما به مرور زمان خود دچار انحرافات شدیدی در صحنه‌ی عمل و نظر گردید. الیزابت فاکس در این مورد می‌نویسد : جنبش فمینیستی دو رکن دارد ۱- فرد گرایی ۲- آزادی جنسی. آزادی رفتار جنسی در پرتو اصل نخست یعنی فرد گرایی معنی و مفهوم می‌یابد امروزه چنان ابعاد وسیعی یافته که در نهایت به فروپاشی خانواده منتهی شده و فمینیسم در راستای اهداف و اغراض مردانه قرارگرفته است [۱۴]. وقتی به تاریخ نظری دقیق می‌افکنیم در می‌یابیم که؛ در میان نظرات گوناگون موجود، به حق تنها چشمه زلال مکتب انبیا و اوصیای الهی رامی توان یافت که دور از هرگونه افراط و تفریط و از راه وحی به ترسیم واقعیت وجودی انسان (هم زن وهم مرد) پرداخته است و برای مرد وزن از نظر شخصیت واصل خلقت و کمالات انسانی تفاوتی را قائل نشده است [۱] . در این میان درخشش اسلام در آسمان تیره و کدر آن دوران؛ آن هم در میان عرب جاهلی که دختران خود را زنده به

[1] feminism

گور می‌کردند چشم‌ها را خیره می‌کند. در جامعه ما که مدعی است نظام تعلیم و تربیت آن بر اسلام مبتنی است، باید پژوهش‌های زیادی در منابع اصلی دین مبین اسلام صورت پذیرد. این پژوهش‌ها باید از یک سو به دنبال کشف واقعیت‌های اصیل اسلامی باشد و از سوی دیگر مسایل روز جوامع اسلامی را شناسایی نموده و برای آن‌ها پاسخ‌هایی در خور چهره تابناک اسلام بیابند. بی شک یکی از منابع مهم برای چنین پژوهش‌هایی بعد از (قرآن) شریف؛ کتاب گران قدر (نهج‌البلاغه) است. در زمینه هویت زن در نهج‌البلاغه پژوهش‌های معدودی در داخل کشور صورت گرفته ازجمله حاتمی راد که در پژوهشی به نقد و بررسی (سند و متن) احادیث منسوب به امام علی علیه‌السلام در نکوهش زن پرداخته است [۱۵].علائی رحمانی در پایان نامه (کارشناسی ارشد) خود به حیثیت و اعتبار زن از دیدگاه نهج‌البلاغه پرداخته است [۱۶].برهانی، در پایان نامه (کارشناسی ارشد) خود به بررسی جایگاه زنان در عصر پیامبر پرداخته است [۱۷].پور زر جوع در پایان نامه (کارشناسی ارشد) خود «راهکارهای تربیتی امام علی (ع) در نامه‌ی سی و یک نهج‌البلاغه» را مورد بررسی قرار داده است [۱۸]. با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده به نظر ما درباره زن و هویت واقعی او تنها زمانی می‌توان قضاوت کرد که با یک نگاه جامع به کمالات این موجود ارزشمند بپردازیم. - نگاهی بدون افراط و تفریط و یکسو نگری - ما معتقدیم در (قرآن) و (نهج‌البلاغه) چنین نگاهی به زن شده است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل اسنادی مفاد خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) درباره زن، مورد بررسی و تحلیل قرارگرفته است. جامعه آماری (متنی) شامل، متن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه است. نمونه برداری به صورت هدفمند انجام شده و جامعه آماری در دسترس پژوهشگر مورد بررسی و تحلیل قرارگرفته است. برای این پژوهش فیش برداری به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده گردید. در این فرم، چهار مکان برای ثبت آدرس، متن عربی، متن فارسی، و توضیحات در نظر گرفته شده بود که طی آن مجموعه جملات، عبارت‌ها و مضامین موجود در خطبه‌ها، نامه‌ها، و حکمت‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه که در این زمینه آمده است مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به جمع آوری و مطالعه مقالات و کتب مرتبط با موضوع پرداختیم و آنچه قابل استفاده بود را به صورت مستند در لیست‌هایی جمع آوری نموده و در تحلیل و تفسیر فرمایشات حضرت علی (ع) از این منابع بهره بردیم.

برای روشن ساختن دیدگاه حضرت علی (ع) در مورد هویت زن و دلالت‌های تربیتی آن به گونه‌ای که در جامعه کنونی بتوان از آن بهره برد سؤال زیرا را مطرح نموده‌ایم :

۱- در بررسی هویت زن در نهج‌البلاغه، نزد پژوهشگران چه رویکردهایی وجود دارد و دلالت‌های تربیتی این رویکردها چیست؟

یافته‌ها

در بررسی این سؤال که «در بررسی هویت زن در نهج‌البلاغه، نزد پژوهشگران چه رویکردهایی وجود دارد و دلالت‌های تربیتی هرکدام چیست»؟ مشخص گردید که؛ چهار رویکرد در بین محققین و پژوهشگران در برخورد با موضوع زن در نهج‌البلاغه وجود دارد. که عبارتند از :

رویکرد اول شرور بودن زن

این رویکرد، اشارت و برداشتی است سطحی از فرمایشات امام در حکمت ۲۳۸ می‌فرماید: «زن وزندگی همه‌اش زحمت و دردسر (شر) است و زحمت بار تر اینکه چاره‌ای جز بودن با آن نیست».محققین با شر بودن زن به صورت‌های گوناگون برخورد کرده‌اند برخی این دیدگاه در مورد زنان را رد نموده‌اند. برخی دیگر، به توجیه عقلانی این دیدگاه پرداخته‌اند و دسته دیگری از پژوهش گران آن

Daneshvar (Raftar) / Education and Society / Shahed University / 17th Year / 2011 / No.45
دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشور رفتار / تربیت و اجتماع / دانشگاه شاهد / سال هفدهم / اسفند۸۹ / شماره ۴۵

را پذیرفته‌اند. برخی محققین ابتدا با بیان مصادیق به توجیه عقلانی و سپس رد این رویکرد پرداخته‌اند. پیش فرض این دسته از محققین این است که :بی شک یکی از نمادهای تعیین کننده چگونگی تفکر یک جامعه در موضوع خاص، ادبیات است، که در تمثیل‌ها داستان‌ها ضرب‌المثل‌ها و اشعار رایج در بین عوام متبلورمی شود. هرچه یک شعر، داستان یا ضرب‌المثل به مذاق شنوندگان و گویندگان خوش‌تر آید و به ذهنیت آن‌ها نزدیک‌تر با شد، همه گیر تر بوده و در گستره زمان و مکان بیشتری رایج خواهد بود. جوامع مختلف زن را «ام المفاسد» می‌دانستند بسیاری از شعرا و نویسندگان در حکایات، اشعار و ضرب‌المثل‌های خود زن را شرور معرفی نموده‌اند. در این جا به دلیل رعایت اختصار ما تنها به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

گرچه فردوسی در مواردی برخی زنان را مورد تمجید قرار داده است. اما به نظر می‌رسد منطق او این است که هرکس دختر دارد بدبخت است و مردن بهتر از فرمان برداری از زن است. [۱۹]

گر نیک بودی زن و قول زن زنان را مزن نام بودی نه زن

زن و اژدها هر دو در خاک به جهان پاک از این هردو ناپاک به

فردوسی

دیدگاه نظامی نسبت به زن این است که زن بی وفا و حیله گر و دورو است [۱۹] .

زن از پهلوی چپ آفریده کس از چپ راستی هرگز ندیده

بسی کردند مردم چاره سازی؛ ندیدند از یکی زن راست بازی به نقل از [۱].

نظامی

از نظر بقراط: دیدن زن شر است و شنیدن اسمش شری است شدیدتر، زن چیست؟ مرض است. سقراط : «زنی رادید حمل آتش نمود همان گفت شر حامل بیش از شر محمول است.» به نقل از [۱]

نیچه : «ای مرد به زنان نزدیک مشو مگر با شلاق، زن خطرناک‌ترین بازیچه است پس باید ازا و ترسید. »به نقل از [۱]

شکسپیر: «ای نادرستی و ناپاکی! حقا که نامت زن است» به نقل از [۱]

این نمونه‌ها که از بین هزاران نمونه از تمثیل‌ها داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و اشعار رایج در بین عوام انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهند که در چنین نگرشی زن با ذاتی شرور یا ناقص به دنیا می‌آید؛ و بدین ترتیب ثابت می‌کند که شرور بودن زن ریشه در فرهنگ جامعه داشته است. به نقل از [۱] و [۱۹] این دسته از محققین معتقدند: به دلیل ممانعت خلفای اموی از روایات امام علی (ع) این روایات کم‌تر در کتاب و دفتری ثبت شده یعنی اجازه نشر نیافته و فقط سینه به سینه منتقل شده است. بنابراین بخشی از روایات در سینه‌ی مردم جای گرفت که، به مذاق و فرهنگ مردم بیشتر خوش می‌آمد و بهتر به دلشان می‌نشست. برخی دیگر از پژوهشگران به دلیل عدم تطابق هویت شر بودن زن با قرآن اعتبار سندیت حکمت ۲۳۸ را مخدوش می‌دانند [۲۰]. نه تنها در هیچ جای قرآن زن شرور خطاب نشده است بلکه در برخی موارد برای برخی زنان مانند حضرت مریم مقام والایی در نظر می‌گیرد مقامی که هیچ مردی به او نمی‌رسد [۲۱] بنابراین ممکن نیست حضرت علی (ع) , یعنی قرآن ناطق، زن را موجودی ناقص‌العقل و ناقص الایمان بداند. زیرا این تعارض آشکار بین کلام قرآن و کلام مفسر قرآن، قابل توجیه نیست. [۲۲].برخی دیگر شر بودن زن را خصیصه ذاتی او نمی‌دانند بلکه معتقدند «زن برای مرد شر است از آن جهت که ذهن و قلب او را به خود مشغول داشته و او را از یاد خدا غافل می‌کند» [۱]؛ و برخی دیگر محدود بودن تعابیر علی (ع) را به زنان معاصر ایشان می‌دانند. آن‌ها معتقدند به دلیل محدودیت‌ها و تبعیضاتی که سال‌های متمادی زنان را در برداشته؛ آنچنان از فرهنگ، سواد، تفکر و اجتماع دور بوده‌اند که مستحق چنین تعابیری شده‌اند. حال که وارد اجتماع شده‌اند بدون آنکه از پختگی برخوردار باشند از همه طریق آفت پذیر بوده و به

دلیل نادانی، به دوستان بدتر از دشمن بدل می‌شوند [۱].

دلالت‌های تربیتی شرور بودن زن

پذیرش شرور بودن زنان به معنای عام آن در عرصه تربیت نتایج ویرانگری را برای زنان به ارمغان می‌آورد چرا که هیچ عاقلی انسان شرور را مسلح به سلاح علم نمی‌کند. اگر بپذیریم که شرور بودن زنان برای مردان است با زهم در نتیجه خللی وارد نمی‌شود و مردان حاضر نخواهند شد این موجود شرور را به سلاح قدرتمندی همچون علم مسلح کنند.

به نظر می‌رسد در نهج‌البلاغه شر به معنی دیگری به‌کاررفته است. اگر شر را در مقابل خیر به کار ببریم می‌توان با روشن کردن مفهوم خیر به معنای شر نیز دست بیابیم. در دیدگاه آن حضرت، خیر آن است که دانش و علم انسان افزون گردد [۲۳]..از سوی دیگر علت و سبب هر شر و بدی از نظر علی (ع) فقدان ادب است. «عدم الادب سبب کلّ شر» [۲۴]. با این فرض می‌توان علت دوری از خیر و شر بودن زنان را به دوری از علم و دانش که خود محصول تربیت بوده است مربوط بدانیم. اگر شر بودن زنان را به عنصر تربیت نایافتگی آنان نسبت دهیم، دیگر نمی‌توان فرمایش مولای متقیان را به عصر خاصی نسبت داد. در این صورت می‌توان گفت در هر عهدی زنان شرور (همچون مردان) که از عنصر تربیت بی بهره‌اند وجود دارند. از سوی دیگر با قبول این فرض، خاصیت شر بودن زن را صفتی ذاتی، ندانسته‌ایم بلکه آن را چون صفتی ثانویه که از تربیت ناشی شده است در نظر خواهیم داشت. یعنی همان‌گونه که در هر عصری هم مرد فرهیخته وجود دارد وهم مرد شرور، می‌توان از زنان شرور یا از زنان فرهیخته نیز سخن به میان آورد. بدینسان بر اهمیت تربیت زنان افزوده خواهد شد چرا که از تربیت آنان در بستر تاریخ غفلت شده است و اکنون مستحق آنند که بیشتر مورد توجه قرار گیرند. شاید به همین دلیل باشد که در فرهنگ اسلامی خانه همواره اولین محفل برای تربیت بوده است و آن حضرت بر ماندن زنان در خانه سفارش می‌کند [۲۵]؛ و می‌فرماید زن رانمی توان طرف مشورت قرارداد [۲۵]. زیرا زن سال‌ها در زیر فشار و ظلم قرارگرفته است و از تربیت بهره نبرده است. در خانه نگاه داشتن زن نیز شاید به جهت توجه اسلام به این موضوع و لزوم تربیت زنان باشد. نه به جهت محروم و زندانی کردن آنان. زیرا «خانه اولین تأسیسات فرهنگی و آموزشی اسلام است پس از نزول وحی پیامبر (ص) درحالی‌که بار سنگین رسالت را به دوش می‌کشید از کوه حرا به خانه آمد. او آیات نازل شده را بر همسر خویش فراخواند. با ایمان آوردن خدیجه کبری (س) خانه به این افتخار دست یافت که عنوان اولین جایگاه آموزش ویکی از کانون‌های نشر فرهنگ اسلام را به خود اختصاص دهد. نخستین مدرسه فقهی اسلام در مکه در خانه‌ی ارقم ابن ابی الارقم ریخته شد و این سنت پس از هجرت در مدینه نیز چه در خانه‌ی خود پیامبر (ص) و چه در خانه‌ی دیگر مسلمانان دنبال گردید [۲۶].بنابراین می‌توان گفت دوری از تربیت زنان است که موجب شده در بسیاری از روایات مردان از مشورت یا اطاعت از زنان بر حذر شوند. در صورتی که با جستجو در متون تاریخی و سیره بزرگان می‌توان به شواهد فراوانی دست یافت که در آن‌ها اطاعت از زن و موافقت با پیشنهاد او نه تنها ناپسند قلمداد نشده، بلکه تلقی مثبتی نسبت به آن ابراز شده است [۲۷]. مانند موافقت پیامبر (ص) با پیشنهاد ام سلمه در مورد خارج شدن از احرام در جریان صلح حدیبیه [۲۸]. یا موافقت امیر مؤمنان علی (ع) با سفارش حضرت فاطمه (ع) مبنی بر ازدواج با امامه، خواهرزاده حضرت فاطمه (ع). بنابراین از روایات نکوهش اطاعت یا مشورت با زنان می‌توان نتیجه گرفت این نکوهش به دلیل شر بودن ذاتی زن نیست بلکه معلول دوری زن از تربیت است و اگر زنی از نظر رشد دینی و عقلی در سطح مورد انتظار نباشد نباید مورد مشورت قرار گیرد. پس قبول شر بودن زنان در معنی یادشده تاکیدی عقلانی است بر لزوم توجه ویژه به تعلیم و تربیت آنان.»

Daneshvar (Raftar) / Education and Society / Shahed University / 17th Year / 2011 / No.45
دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشور رفتار / تربیت و اجتماع / دانشگاه شاهد / سال هفدهم / اسفند ۸۹ / شماره ۴۵

رویکرد دوم :ناقص بودن زنان

نکوهش درباره زنان: در این خطبه برای زنان نواقص زیر در نظر گرفته شده است [۲۹].

نواقص الایمان

تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام (عادت حیض) آنان است. آنچه مسلم است ایمان مراتب گوناگونی دارد هرچند فرایض و اعمال در ایجاد ایمان نقش اساسی دارد و پذیرش سایر اعمال در نزد خدا به پذیرش نماز وابسته است. اما ترک فرایض با عذر شرعی رخ داده نه از روی اختیار پس گناهی برزن نیست. شاید اشاره‌ی مولی‌الموحدین به این تفاوت‌ها نیز، اشاره‌ای به همین موضوع باشد و ایشان می‌خواهد مردم بدانند که این تفاوت‌ها ریشه‌ای و اساسی نیستند. برخی از محققین برکنار بودن زن درزمان حیض را نشانه‌ای از نقص کمی می‌دانند. برخی دیگر آن را لطف خداوند در این دوران دانسته‌اند، که هیچ کدام نشانه نقص اساسی زن نسبت به مرد نیست [۲۰]. اما هشدار معلم دلسوز؛ از باب آن است که در این دوران نیز ارتباط باخدا نباید گسسته شود و با ذکر مستحب می‌توان این نقیصه را برطرف کرد [۸].

نواقص العقول

برخی نقص عقلی زن در مقابل مرد را از این جهت می‌دانند که، احساسات سر شار زن در او اضطراب می‌آفریند و این اضطراب که قابل رفع است تعقل و استفاده از فکر را در زن دچار مشکل می‌کند. «بر طبق نظر روانشناسان، یادآوری زن درزمان غلبه احساس، ضعیف‌تر می‌گردد و در هر موجود انسانی شدت و غلبه‌ی احساس، موجب فراموشی و اضطراب می‌شود. که عارضی و قابل دفع است، اما بروز این حالت درزمان ضروری، استفاده‌ی دقیق از تعقل و تفکر و بهره‌وری از حافظه را، دچار محدودیت می‌کند» [۸]. برخی معتقدند :به جز انبیا و اولیای الهی هیچ کس عقل کامل ندارد. انبیا و اولیا نیز در بهره بردن از عقل درجاتی دارند. برخی دیگر از پژوهشگران با تقسیم بندی عقل به نظری و عملی؛ تفاوت زن و مرد را در عقل نظری می‌دانند. ولی در عقل عملی که برای رسیدن به کمال لازم است تفاوتی بین مرد وزن قائل نیستند [30]. آنان معتقدند:حجاب در بالاترین مفهوم - پذیرفتن با نوعی آگاهی از روی اراده و اختیار - نمونه‌ای از عقل عملی است. که در زنان با ایمان متجلی می‌شود. بنابراین هرچند مردان در عقل نظری از زنان پیش‌ترند. ولی نباید این را دلیلی بر عاقل‌تر بودن آن‌ها دانست. زیرا این عقل تشویش زا و وسوسه انگیز است. به نظر می‌آید غرق شدن زنان در درزمان جاهلیت در زیور وزینت دلیلی برای عدم رشد عقلی آنان در آن دوره است[۳۱].

نواقص الحظوظ

در این خطبه تفاوت بین زن و مرد در سهم‌الارث است. برخلاف عرب جاهلی که نه تنها ارثی به زنان نمی‌رسید بلکه زنان مانند وسایل به ارث می‌رسیدند. خداوند ارثی را برای زنان قائل شد و زن از حیث میراث، گاهی هم وزن مرد و گاه کمتر از او و گاهی هم بیشتر از او- بر حسب مصالح- میراث می‌برد [۳۲]. باید دقت کنیم که اینکه می‌گویند زنان کمتر از مردان میراث می‌برند همواره درست نیست بدین گونه که اگر مورّث، پدر و مادر باشد مرد دو برابر زن ارث می‌برد و اگر مورّث فرزند باشد پدر و مادر به تساوی (یک ششم) ارث می‌برند[۳۳]؛ و اگر زنی بمیرد و از او شوهر و دختری بازماند، دختر نیمی از ثروت او ارث می‌برد و شوهر یک چهارم از ثروت، بنابراین در اینجا زن دو برابر مرد ارث می‌برد[۳۴]. در مواردی که مرد دو برابر زن ارث می‌برد بدان جهت است که معمولاً زن‌ها که اداره امور منزل را به عهده می‌گیرند در مسائل اقتصادی جامعه کمتر وارد شده و تهیه‌ی وسایل معیشت آنان بر مردان واجب است. از طرف دیگر مردان در معرض نوسانات اقتصادی- از نظر سود و زیان- بیشتر قرارمی‌گیرند. به علاوه اینکه، مهریه‌ای که زن به مقدار عادلانه از مرد می‌گیرد می‌تواند نوعی جبران سهم‌الارث او باشد.

بررسی نقایص نسبت داده شده به زنان در خطبه‌ی ۸۰ و دلالت‌های تربیتی آن:

در پاره‌ای از متون اسلامی فرضیه نقصان عقلی زنان مطرح شده است. اگر این فرضیه پذیرفته شود نتیجه قهری آن پذیرش نابرابری‌های علمی و تحصیلی بین زنان و مردان است. این امر یکی از مسایلی است که درباره آن وفاقی میان صاحب نظران صورت نپذیرفته است، بی تردید اسلام بر حسب این روایات تفاوت‌های ذهنی بین زن و مرد را مفروض می‌گیرد ولی معلوم نیست این تفاوت‌ها به کدام بخش از قوای ادراکی مربوط است و درباره منشأ طبیعی یا اجتماعی آن نیز بیان روشنی وجود ندارد. از سوی دیگر پژوهش‌های تجربی وجود تفاوت‌های ذهنی گسترده بین زن و مرد را منکر شده است. بنابراین نمی‌توان سیاست‌های آموزشی متفاوت بر پایه جنسیت ارایه کرد. [۲۷]. به نظر می‌آید، هدف کلی امیرالمؤمنین (ع) اشاره به مختصات روبنایی زندگی مرد وزن است نه تفاوت میان شخصیت انسانی آن دو. زیرا هدف ایشان نقص واقعی ایمان و عقل به طور عموم و سهم‌الارث به طور کلی نیست، زیرا اسناد چنین نقص برزن‌ها، مخالف قرآن است و امیرالمؤمنین (ع) به منظور توضیح موقعیت حقیقی زنان - برای آگاه کردن یکی از زن‌های پیامبر که با دستیاری طلحه و زبیر قائله‌ی جنگ جمل را برپا کرده بود - به یکی از مختصات روبنایی صنف زن، که مانع آنان از آرزوی مرد شدن و فعالیت مردانه است، اشاره فرموده است [۲۰].این عارضی بودن خصوصیات زنانه در خطبه‌ی ۱۵۶ نهج‌البلاغه گوشزد می‌شود. یعنی آنکه زنان اگر به مراقبت نفس نپردازند به چنین حالت‌هایی دچارمی شوند. نکته قابل تأمل این است که آن حضرت در خطبه‌هایی نیز مردان را مذمت نموده است. مثلاً مذمت لشکریان خود پس از جنگ نهروان که برای نبرد نهایی با معاویه، سستی می‌ورزیدند [۳۵]. پس مذمت روشی است تربیتی برای بیدار کردن آن‌ها که فطرت پاکی دارند و در خواب غفلتند. در قرآن نیز در بسیاری از موارد برای بیدار ساختن انسان از فلسفه‌ی شماتت و مذمت استفاده شده است و به کار بردن تعابیری مانند «انسان عجول است»، «ظلوم وکفور است» به معنی اهانت به انسان نیست بلکه هشداری است که باید انسان مراقبت بیشتری بر رفتار و حالات خود داشته باشد [۱]. امام علی (ع) نیز چون معلمی بزرگ با یادآوری و مذمت زنان و مردان آنان را مورد خطاب قرارمی دهد تا به خود آیند و بدینسان با تکیه بر روش‌های تربیتی انذار و روش محاسبه‌ی نفس، آنان را با نتایج اعمال خود روبرو کند. چشاندن نتیجه‌ی عمل به عامل، یک روش تربیتی است زیرا موجب آن می‌شود که انسان، امکان بازگشت از خطا را بیابد. بدینسان ایمان آنان تحریک می‌شود. «به‌کارگیری این شیوه نیز احساس مسئولیت و الزام درونی را در آدمی برپا می‌کند که به سبب مبتنی بودن بر ایمان به خدا، آن را احساس تکلیف نیز می‌گویند»[۳۶].

پیامد تربیتی ناقص بودن عقل زن آن است که زن را تا آنجا که می‌توان، باید محدود کرد و از خروج او از خانه جلوگیری نمود و از رسیدنشان به توانمندی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جلوگیری نمود تا جامعه را به فساد نکشاند، دوم اینکه خود زن‌ها هم متوجه این نقص ذاتی‌شان بوده و طوری رفتار کنند که این نقص به خودشان، ایمانشان و یا جامعه آسیبی وارد نکند. باتوجه به نقص عقلیشان بر تصمیمات عجولانه پافشاری نکنند و همچون یک انسان ناقص‌الخلقه حدود و وظایف و تصمیماتشان را بدانند و در تصمیمات و کارهایی که احتیاج به تعقل دقیق‌تر و بیشتری دارد زن را نباید وارد عمل کرد [۱]. روشن است که چنین برداشت‌های سطحی بر تبعیضات گوناگون علیه زنان خصوصاً در عرصه تعلیم و تربیت دامن می‌زند و این برداشت‌ها در مورد زنان ناروا و نادرست هستند. نتیجه نهایی این رویکرد در تعلیم و تربیت تبعیض جنسیتی در آموزش و پرورش زنان و محروم نمودن آنان از قسمت اعظمی از فعالیت‌های فکری، سیاسی و اجتماعی است. به نظر می‌رسد چنین برداشتی با آموزه های اسلامی در تضاد است. زیرا آیات و روایات زیادی وجود دارند که در

آن‌ها اسلام برای پیشرفت علمی انسان مسلمان (زن و مرد) ارزش و اهمیت زیادی قائل شده است [۳۷-۴۰].در برخی موارد از روایات نیز بر اهمیت دانایی زنان تاکید شده است امام صادق (ع) فرمودند (کم نیستند زنانی که نسبت به مسایل دینی آگاه تر و دانا تر از مردانند) [۴۱]. در روایتی دیگر که به خلقت حضرت آدم و حوا اشاره دارد خداوند رحمان خشنودی خود را در آن می‌داند که حضرت آدم به حضرت حوا معارف دین خدا را بیازمود [۴۲]. بنابراین اسلام در ارزش گزاری خود برای علم و عالم تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست اگر روایتی یافت شد که مضمون آن بر ضد پیشرفت علمی زنان بود باید به آن با دیده تردید نگریست. [۲۷].

رویکرد سوم یکسانی زن و مرد در همه عرصه‌ها (برخی گروه های فمینیستی)

به منظور وسعت بخشیدن به بحث؛ رویکرد فمینیستی به عنوان یک رویکرد که در تقابل با آموزه های نهج‌البلاغه است. مورد برسی قرارگرفته است. در جامعه ما چنین برخوردی عموماً به فضاهای روشنفکری و نواندیشی نسل امروز، تعلق دارد که هیچ تفاوت و اختلافی در ذات و ساختار وجودی زن و مرد قائل نیستند. این گروه بر این اعتقاد هستند که زن و مرد هردو دارای ویژگی‌های انسانی هستند و خلقتشان هیچ تفاوت و اختلافی نداشته و تنها اختلافشان در چگونگی نقش آن‌ها در تولید مثل است [۱]. «امروزه فمینیسم را یک رویکرد پست مدرنیستی هویت زنان می‌شناسیم» [۴۳]. زیاده‌روی‌های مدرنیستی در تأکید بر وجود اختلاف بین زن و مرد نتیجه‌ای جز اعمال تبعیض و خشونت علیه زنان در برنداشت. این‌گونه تبعیضات با نادیده گرفتن کرامات وجودی زن او را به انسانی درجه دو تبدیل نموده بود. در مقابل چنین توهینی به مقام انسانی زنان، طبیعی است که جنبش‌های اعتراضی و منتقدانه ظهور یافته و به شدت تقویت شوند. هرچند دلیل اساسی اعمال چنین تبعیض‌هایی دوری از فرمان الهی بوده است، اما بشر مغرور، با زهم از این تجربه درس عبرت نگرفت و به جای رجعت به تعالیم آسمانی و الهی به نفی همه‌ی ارزش‌ها و نسبی گرایی در تمام ابعاد اخلاقی و... در پست مدرنیسم پرداخت. فمینیسم یکی از این رویکردها است که بیشتر جنبه مخالفت و اعتراض به مدرنیسم دارد و در پی اعاده حقوق از دست رفته‌ی زنان و مبارزه با مرد سالاری مدرن است [۱۰] فمینیسم در ابتدا هرچند داعیه های به ظاهر به حقی را مطرح نمود و در زمینه های تربیتی خصوصاً در تلاش برای دستیابی به فرصت‌های برابر برای زنان موفقیت‌هایی نیز بدست آورد؛ اما به مرور زمان خود دچار انحرافات شدیدی در صحنه‌ی عمل و نظر گردید. فمینیست‌ها با در نظر گرفتن آزادی جنسی زنان به عنوان یک حق فردی مسئولیت آنان در مقابل کودکان را تضعیف کرده عملاً کودکان را به دارایی‌های فردی که در اختیار افراد قرار می‌گیرند تبدیل کرده‌اند. عدم پذیرش مسئولیت‌ها و وظایف سنتی از سوی زنان به از میان رفتن پیوند زناشویی، فرو پاشی خانواده و آوارگی کودکان منجر می‌شود [۱۴]. رویکرد فمینیسم رویکردی سکولار و در تقابل با دیدگاه نهج‌البلاغه است. به نظر می‌آید بین آنچه در فمینیسم مطرح است و آنچه در قرآن و نهج‌البلاغه و متون دیگر اسلامی در مورد زن مطرح شده است هیچ‌گونه هم خوانی وجود ندارد و این رویکرد نیز رویکرد صحیحی به نظر نمی‌رسد. زیرا زنان و مردان در پاره ای از موارد تفاوت و ناهمسانی دارند، اساس این ناهمسانی به نحوه خاص آفرینش طبیعی زن و مرد برمی گردد که تفاوت در استعدادها، وظایف و حقوق زن و مرد را سبب شده است. اما این بدان معنی نیست که زن موجودی درجه دو به حساب آید بلکه، به دلیل نقاط مشترک انسانی بین زن و مرد هردو باید از تعلیم و تربیت برخوردار باشند و نباید مورد تبعیض جنسیتی واقع شوند. اما؛ دستگاه آفرینش وظیفه مادری را به عهده زن و پدر بودن را به عهده مرد گذاشته است [۴۴]. بنابراین تعلیم و تربیت زنان و مردان نیز باید به گونه‌ای باشد که هرکدام را برای تشکیل خانواده و ایفای نقش در آن آماده کند. این یکی از مهم‌ترین

تفاوت‌های دیدگاه فمینیسم و آموزه های اسلامی است.

دلالت‌های تربیتی مربوط به مقوله زن از منظر فمینیسم (پست مدرن)

۱- هدف مخالفت با مردسالاری و رسیدن به آزادی همچون مردان است، این هدف با تاکید بر فردیت و آزادی جنسی قابل دسترسی است و در این راه خانواده سنتی، زن را به بردگی می‌کشاند و باید با ازدواج‌های سنتی مخالفت نمود. چنین هدفی تمامی فعالیت‌های فمینیستی را تحت‌الشعاع قرارمی دهد.

۲- تعلیم و تربیت زنان به جهت، قلمرو و شیوه، امری همگانی و فراگیر است زیرا هویت امری نامحدود غیر ویژه و عام است

۳- زنان چون مردان یک عنصر اجتماعی – سیاسی هستند و تعلیم و تربیت باید به مشترکات آنان توجه کند

۴- تعلیم و تربیت باید تجربه محور و علم محور باشد. آن هم تجربه و علمی که توسط خود زنان بدست آمده است.

۵- تعلیم و تربیت زنان باید با تعلیم و تربیت مردان برابر و همسان باشد.

۶- زنان برای خلق هویت خود به گفتمان نیاز دارند بنابراین تعلیم و تربیت آنان همچون مردان بر محور گفتمان و تعامل بوده و امری اجتماعی سیاسی است.

۷- تعلیم و تربیت زنان یک تعلیم ایدئولوژیک و مفروض نیست و تعلیم و تربیت به دور از هرگونه پیش‌داوری مرد محور است.

رویکرد چهارم : یکسانی زن، در شرافت و کمالات با و جود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌ها در نهج‌البلاغه

در دیدگاه قرآن، زن یک انسان کامل است وهمانند مردان برخوردار از حیات طیبه است [۴۵] اگر کار شایسته‌ای انجام دهد و مؤمن باشد وارد بهشت می‌شوند و در آن روزی بی‌حسابی به آن‌ها داده خواهد شد [۴۶]. در آن روز کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد [۴۷]. پاداش آن‌ها بهترین اعمالی است که انجام می‌دادند [۴۸] و خدا انسان‌ها را از یک مرد و زن آفرید و گرامی‌ترین آن‌ها نزد خداوند با تقواترین آن‌هاست [۴۹]. بنابراین زن و مرد در شرافت، کرامت و کمالات انسانی از نظر قران کریم تفاوتی ندارند [۳۰] خداوند، می‌فرماید: «من عمل هیچ عمل‌کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما همنوعید، و از جنس یکدیگرا» [۵۰]

بنابراین قرآن از یکسانی زن در شرافت و کمالات با و جود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌ها حمایت می‌کند و نهج‌البلاغه که اولین کتاب تفسیر قرآن است و به وسیله کسی که پس از پیامبر اسلام (ص) بزرگ‌ترین مفسر قرآن است نگاشته شده است با قرآن هم خوانی معنوی دارد. به همین دلیل ما از این دیدگاه حمایت می‌کنیم.

دلالت‌های تربیتی مربوط به مقوله زن (یکسانی زن، در شرافت و کمالات با و جود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌ها):

۱- هدف غایی تربیت زنان (همچون مردان) قرب الی الله و حیات طیبه است. کرامت انسانی فقط شامل مردان نمی‌شود و عنایت الهی شامل حال انسان شده است (مرد وزن) واو را اشرف مخلوقات قرار داده است و از این جهت تفاوتی بین آن دو نیست. بنابراین زن نیز چون مرد می‌تواند از آموزش همگانی برخوردار شود.

۲- ازدواج و تشکیل خانواده یک رکن اساسی جامعه است و به آن سفارش می‌شود وزنان و مردان باید به گونه‌ای تربیت شوند که برای پذیرش مسئولیت‌هایی که ازدواج بر دوش آنان می‌گذارد آماده شوند.

۳- تفاوت‌هایی بین زنان و مردان و جود دارد که باید جهت حرکت به سوی کمال انسان در نظر گرفته شوند با عنایت به این تفاوت‌ها زن می‌تواند همانند مردان به تعلیم و تربیت و فعالیت‌های اجتماعی

Daneshvar (Raftar) / Education and Society / Shahed University / 17th Year / 2011 / No.45
دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشور رفتار / تربیت و اجتماع / دانشگاه شاهد / سال هفدهم / اسفند ۸۹ / شماره ۴۵

دیگر بپردازد وبا حفظ عفت و شأن انسانی وظایف اجتماعی، حرفه‌ای و سیاسی را بـه دوش کشـد و تعلیم و تربیت باید بستر این گونـه فعالیـت‌هـا را آماده کند.

۴- برای رسیدن به تقوا و حیات طیبه حـدود و ثغـور الهی باید رعایت شود و آزادی جنسی (برای زن و مرد) بی معنـی اسـت؛ و انسـان را از رسـیدن بـه حیات طیبه بازمی دارد.

۵- رابطه زن و مرد اجنبی سـخت خطرنـاک اسـت و جامعه مدنی تا حد ممکن باید غیر مخـتلط باشـد بنابراین وجود حریم بین زن و مرد ضروری اسـت پس باید مرد وزن حجاب (مضامین حجـاب زن و مرد متفاوت است) را رعایت کنند.

۶- خانواده یک رکن اصلی جامعـه اسـت و مـرد بـا رعایت رضای خداوند، عدالت، زیبایی، معروف و محبت و دلسوزی بـرزن قیمومیـت دارد بنـابراین تربیت فرزندان و توجه به نیازهای شـوهر الـویتی است که در تعلیم و تربیت زنان همواره باید به آن توجه شود.

۷- وظیفه‌ی تأمین هزینه های زندگی بر عهـده مـردان است و زنان چون گل ظریف و لطیفند و نباید بـه کارهای خشن و سخت بپردازند بنابراین بهتر است برای کارهای سخت و طاقت فرسا مردان را تربیت کرد. روحیه لطیف زنان آنان را برای فعالیت هنری و علوم ظریف مستعد تر از مردان مـی‌کنـد؛ و در تعلیم و تربیت آنان باید به آن توجه کرد.

۸- تعلیم و تربیت بر اساس تعـالیم آسـمانی و الهـی صورت می‌پذیرد و چون هدف غایی (سیر الی الله، حیـات طیبـه و عبـادت) اسـت جهـان‌بینـی و ایدئولوژی الهی در آن نقش اساسی دارد.

خلاصـه‌ای از وجـوه تمـایز و تشـابه و مقایسـه بـین رویکردهای گوناگون به موضوع زن و دلالت‌هـای تربیتی آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: بررسی وجوه تمایز و تشابه و مقایسه بین رویکردها و دلالت‌های تربیتی

دلالت‌های تربیتی	شرور بودن زن	ناقص بودن زنان	*یکسانی زن و مرد، در شرافت و کمالات با و جود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌ها*	منظر پست مدرن
تطابق با قرآن	ندارد	ندارد	دارد	ندارد
فرض وجود تفاوت بین زن و مرد	تفاوت ذاتی وجود دارد	تفاوت ذاتی وجود دارد	تفاوت‌هایی *در نقش‌ها و ویژگی‌ها* بین زنان و مردان و جود دارد که باید جهت حرکت به سوی کمال انسان در نظر گرفته شوند	هیچ تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد
هدف غایی تربیت زنان	کنترل زنان	کنترل زنان	همچون مردان قرب الی الله و حیات طیبه (با رویکرد خدا محوری) است.	مخالفت با مردسالاری و رسیدن به آزادی همچون مردان.
اهداف، محتوا، قلمرو، شیوه تعلیم و تربیت زنان	محدود و غیر فراگیر	محدود و غیر فراگیر	نامحدود و همگانی با در نظر گرفتن نقش‌ها و ویژگی‌های زنان	همگانی و نامحدود
انحصارگرایی علمی	دارد	دارد	با رعایت مصلحت ندارد	ندارد
تعلـیم و تربیـت اجتمـاعی برای حضور در صحنه‌هـای اجتماعی- سیاسی	ندارد	ندارد	زن می‌تواند با حفظ عفت و شأن انسانی وظایف اجتماعی، حرفه‌ای و سیاسی را به دوش کشد و تعلیم و تربیت باید بستر این گونه فعالیت‌ها را آماده کند.	تعلیم و تربیت آنان همچون مردان بر محور گفتمان و تعامل بوده و امری اجتماعی سیاسی است.
تأثیر ایدئولوژی بر تعلـیم و تربیت	-	-	دارد	ندارد

جدول ۲:

دیدگاه های مختلف در مورد علت مذمت زنان در نهج‌البلاغه	انتقاد از این دیدگاه
تأثیر نقل سینه به سینه احادیث حضرت علی (ع) در گزینش انتخابی احادیث : تمام فرمایشات حضرت علی (ع) جمع آوری نشده است و فقط بخش کمی از آن در دسترس ما ا ست است زیرا خلفای اول و دوم از هرگونه نقل حدیث ممانعت کردند و فرمایشات حضرت سینه به سینه منتقل شده است و آن دسته از روایات در سینه مردم جا گرفت و منتقل شد که به مذاق و فرهنگ مردم خوش‌تر می‌آمد و به همین دلیل آنچه درباره زنان نقل گردیده بیشتر جنبه منفی دارد.	در مکتب تشیع از حضرت علی (ع) ونیز ائمه معصومین (ع) نامه‌ها و رساله های فراوانی نقل شده که بی تردید مکتوب بوده است. پس از امام علی (ع) و دو امام همام پس از او یعنی امام حسن (ع) و امام حسین (ع) کسانی چون ابوذر غفاری، علی ابن رافع و بسیاری از کسان دیگر به جمع آوری احادیث کوشش فراوان کردند و در نیمه دوم قرن اول دو اثر بزرگ صحیفه سجادیه و رساله‌ی الحقوق امام سجاد (ع) به نمایش گذاشته شد این حرکت در تمام طول تاریخ ادامه یافته و علاقه‌مندان به احادیث همواره به ثبت و ضبط آن‌ها پرداخته‌اند [۱۲]
زیبایی هنری ملا ک جمع آوری سخنان نهج‌البلاغه بوده است. هدف سید رضی (ره) از جمع آوری سخنان امیر سخن ترسیم یک نظام و چارچوب عقیدتی یا ثبت یک روش تعلیمی نبوده است بلکه سخنانی را که با توجه به مذاق و فرهنگ حاکم بر اندیشه‌هایش، از لحاظ هنری و بلاغت زیبا و دلنشین دانسته، جمع آوری کرده است	هرچند زیبایی و فصاحت و بلاغت کلام امام علی (ع) بر کسی پوشیده نیست اما نباید چنین فرض کرد که زیبایی کلام آن حضرت تنها دلیل جمع آوری سخنان آن بزرگوار بوده و در جمع آوری نهج‌البلاغه هیچ دلیل دیگری دخیل نبوده است چرا که موضوع اصلی نهج‌البلاغه که اولین کتاب تفسیر قرآن است همانند قرآن تربیت است.
توجه به جنبه های بلاغی یا معانی وبیان سخن	بی شک باید صاحبان فن به این مهم بپردازند.
سخنان علمای اسلام بیانگر نظر اسلام در مورد شخصیت زن است.	این دلیل محکمی است از این جهت که عاقلان همواره کار را به کاردان می‌سپارند و ما هرگز در هیچ کاری از مشورت و مصاحبت با دانشمندان بی بهره نیستیم. اگر به نظرات دانشمندان و فقیهانی چون امام خمینی (ره) یا رهبر معظم انقلاب توجه کنیم می‌بینیم که این بزرگواران زن را به عنوان عنصری والا، [۵۱] موجود متکامل معنوی، گرداننده اصلی تاریخ [۵۲] می‌دانند و در پی طرد نگرش‌های منفی در مورد زن به عنوان موجود درجه دوم یا ابزار اراده مردان هستند [۱]
خطبه‌هایی که در نهج‌البلاغه به مذمت زنان پرداخته در خصوص زنان معاصر ایشان است. زنانی که از تربیت کافی برخوردار نبوده و از فرهنگ تفکر و اجتماع دورمانده‌اند.	در پاسخ به طرفداران این دیدگاه این‌گونه می‌توان گفت که هرچند هرکدام از خطبه‌ها و نامه های این بزرگوار در شرایط خاص تاریخی بیان شده و اشخاص خاصی را در نظر داشته است اما از فرمایشات این بزرگواران می‌توان در همه‌ی زمان‌ها درس گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

در نهج‌البلاغه در برخی موارد زنان مذمت شده و مورد نکوهش قرار گرفته‌اند. در تفسیر این نکوهش‌ها رویکردهای گوناگونی وجود دارد هیچ یک از این دیدگاه‌ها را نمی‌توان کاملاً منطبق بر واقعیت دانست. برخی از این دیدگاه‌ها و انتقاد وارد شده به آن‌ها به

صورت خلاصه در جدول:۲ آورده شده است.

بنا بر آنچه در بالا آمد به نظر می‌رسد هرکدام از رویکردهای فوق می‌تواند، حقایق یا تصورات ذهنی نویسندگان را در برداشته باشند. قدر مسلم آن است که آن امام بزرگوار در شرایط خاص اجتماعی و سیاسی نامه‌ها و خطبه های خود را عرضه داشته، امکان تحریف برخی فرمایشات به احتمال بسیار ضعیف وجود دارد، همچنین فرمایشات آن حضرت به صورت تمام و کمال در اختیار ما نیست، آنچه از ظاهر فرمایشات و باطن آن‌ها دریافت می‌شود پیامدهای تربیتی متفاوتی را در بردارد، ممکن است ما هنوز به حکمت‌های موجود در فرمایشات آن بزرگوار که با خزانه‌ی غیب در ارتباط است دست نیافته باشیم. این‌ها نمونه‌هایی از امکان‌های موجود در این بحث هستند که یک پژوهشگر با آن‌ها روبرو می‌شود. هر کدام از این فرض‌ها، ممکن است درست باشند یا نباشند. به هر شکل بسیاری از این فرضیات زاییده افکار متفکران و اندیشمندانی است که هر یک با نیت و قصد خاصی قلم فرسایی نموده‌اند. برخی از این عقاید و افکار صحیح به نظر می‌رسد یا حداقل درصدی از واقعیت را آشکار می‌کنند، اما سؤالی که در اینجا لازم است به آن پاسخ دهیم این است که بهترین راه برای آنکه از این خوان گسترده بهره‌ای به اندازه بضاعت خویش ببریم چیست؟ در پاسخ می‌توان گفت عقل سلیم ما را به سوی قرآن عظیم که از هرگونه تحریف درامان است، راهنمایی می‌کند به نظر می‌آید اصلی‌ترین کلید درک فرمایشات ایشان قرآن روشنی بخش است و حضرت علی (ع) پس از پیامبر بزرگ اسلام بزرگ‌ترین مفسر قرآن است که قرآن را با قرآن تفسیر کرد. درست است که اکنون ما به طور مستقیم به امامان معصوم (ع) دستیابی نداریم اما امامت چون آفتابی است که از پس ابر، نور و گرمای خود را به مردم می‌بخشد. درزمان غیبت کبری، در اجتهاد باز است و مسلمانی، بازنده بودن این اصل اساسی دین به یک عنصر خموده وبی روح تبدیل نمی‌شود که در حل مسائل مادی و معنوی خود به عجز و زبونی بیفتد. اجتهاد موجب می‌شود که درزایش فکری بر مسلمانان باز باشد. [۲۶] این دلیل محکمی است از این جهت که عاقلان همواره کار را به کاردان می‌سپارند و ما هرگز در هیچ کاری از مشورت و مصاحبت با دانشمندان بی بهره یا متضرر نخواهیم بود. اگر به نظرات دانشمندان و فقیهانی چون امام خمینی (ره) یا رهبر معظم انقلاب توجه کنیم می‌بینیم که این بزرگواران زن را به عنوان عنصری والا [۵۱] موجود متکامل معنوی، گرداننده اصلی تاریخ می‌دانند و نگرش‌های منفی در مورد زن را رد می‌کنند [۵۲] .

اسلام که دین تربیت انسان است هدف از خلقت زن و مرد را رسیدن به کمال و قرب الهی می‌داند و عدل الهی حکم می‌کند که هم مرد وهم زن برای رسیدن به حیات طیبه و قرب الهی با یکدیگر برابر باشند. باید توجه کنیم که امام علی (ع) امام معصوم و پیشوای دینی است که در مکتب وحی پرورش یافته است و فرمایشات ایشان منطبق بر اهداف و آرمان‌های الهی است و هدف اساسی آن نیل به کمال است، که با اهداف و آرمان‌های بشری (همانند فمینیسم) سازگار نیستند. زیرا هدف چنین رویکردهایی تساوی مرد وزن است و رویکردهای بشری دیگر نیز انسان را از یک دید گاه محدود می‌نگرند و از کل وجود انسان غافل می‌شوند. تنها دید گاه الهی است که تمامی ابعاد انسان را در نظر دارد واو را به سوی کمال هدایت می‌کند. بنا بر این ما از یکسانی زن، در شرافت و کمالات با و جود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌ها حمایت می‌کنیم. اما مرد وزن نیز تفاوت‌هایی دارند که ریشه در خلقت آنان دارد و هرگز نباید نادیده گرفته شود دیدگاه اسلام دیدگاه مترقی به زنان است بر این اساس، زنان نباید خود را به شکل مردان درآورند و مردان نیز نباید خود را همانند زنان بدانند. که خداوند هرکدام را با ویژگی‌های خاص آفرید. بر اساس ویژگی‌های خاص هرکدام، باید روش‌های تربیتی خاصی را در نظر گرفت این دیدگاه شامل دلالت‌های تربیت زیر است.

۱- هدف غایی تربیت زنان (همچون مردان) قرب الی الله و حیات طیبه است. کرامت انسانی فقط شامل مردان نمی‌شود و عنایت الهی شامل حال انسان شده است (مرد وزن) واو را اشرف مخلوقات قرار داده است و از این جهت تفاوتی بین آن دو نیست. بنابراین زن نیز چون مرد می‌تواند از آموزش همگانی برخوردار شود. ۲ – ازدواج و تشکیل خانواده یک رکن اساسی جامعه است و به آن سفارش می‌شود وزنان و مردان باید به گونه‌ای تربیت شوند که برای پذیرش مسئولیت‌هایی که ازدواج بر دوش آنان می‌گذارد آماده شوند. ۳- تفاوت‌هایی بین زنان و مردان و جود دارد که باید جهت حرکت به سوی کمال انسان در نظر گرفته شوند با عنایت به این تفاوت‌ها زن می‌تواند همانند مردان به تعلیم و تربیت و فعالیت‌های اجتماعی دیگر بپردازد وبا حفظ عفت و شأن انسانی وظایف اجتماعی، حرفه‌ای و سیاسی را به دوش کشد و تعلیم و تربیت باید بستر این‌گونه فعالیت‌ها را آماده کند .۴ - برای رسیدن به تقوا و حیات طیبه حدود و ثغور الهی باید رعایت شود و آزادی جنسی (برای زن و مرد) بی معنی است؛ و انسان را از رسیدن به حیات طیبه بازمی دارد. ۵ - رابطه زن و مرد اجنبی سخت خطرناک است و جامعه مدنی تا حد ممکن باید غیر مختلط باشد. بنابراین وجود حریم بین زن و مرد ضروری است پس باید مرد وزن حجاب (مضامین حجاب زن و مرد متفاوت است) را رعایت کنند .۶ - خانواده یک رکن اصلی جامعه است و مرد با رعایت رضای خداوند، عدالت، زیبایی معروف و محبت و دلسوزی برزن قیمومیت دارد بنابراین تربیت فرزندان و توجه به نیازهای شوهر اولویتی است که در تعلیم و تربیت زنان همواره باید به آن توجه شود. ۷ - وظیفه‌ی تأمین هزینه های زندگی بر عهده مردان است و زنان چون گل ظریف و لطیفند و نباید به کارهای خشن و سخت بپردازند. بنابراین بهتر است برای کارهای سخت و طاقت فرسا مردان را تربیت کرد. روحیه لطیف زنان آنان را برای فعالیت هنری و علوم ظریف مستعد تر از مردان می‌کند؛ و در تعلیم و تربیت آنان باید به آن توجه کرد. ۸- تعلیم و تربیت بر اساس تعالیم آسمانی و الهی صورت می‌پذیرد و چون هدف غایی (سیر الی الله، حیات طیبه و عبادت) است جهان بینی و ایدئولوژی الهی در آن نقش اساسی دارد.

منابع

[۱]بانکی پور فرد، امیرحسین (۱۳۷۹)، «نهج‌البلاغه»، قم *مجموعه مقالات*، موسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی صص ۸۹-۱۰۸.

[۲]گروه، بنوات (۱۳۷۹)، *زنان از دیدگاه مردان*، ترجمه محمدجعفر پوینده، چ سوم، انتشارات جامی.

[۳]ویل دورانت (۱۳۸۱) *تاریخ تمدن ج ۱ مشرق زمین گاهواره تمدن*، ترجمه احمد آرام، چاپ هشتم تهران :انتشارات علمی و فرهنگی (کتاب اول ص ۳۸۸ و ۳۹۱).

[۴]کاردان علی محمد (۱۳۸۱)*س‌یر آرای تربیتی در غرب*. تهران :انتشارات سمت.

[۵]نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۴) *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*. تهران :انتشارات طهوری، ص ۱۳۱.

[۶]شاتو، ژان (۱۳۷۶) *مربیان بزرگ*، ترجمه غلامحسین شکوهی نوبت چهارم. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۷.

[۷]موسوی مبلغ، سید محمدحسین (۱۳۸۰) *بررسی تطبیقی زن در نگاه جاهلیت؛ ادیان؛ اسلام و فمینیسم* مجله پژوهش‌های قرآنی شماره ۲۷-۲۸ پائیز و زمستان صص ۲۲۳ – ۱۹۴.

[۸]خزعلی کبری، بهزاد، پور سیمین دخت، آیت الهی زهرا، (۱۳۸۰) *زن عقل، ایمان، مشورت*. تهران: انتشارات سفیر صبح.

[۹]ترابی، احمد (۱۳۸۰) *زن از منظر وحی*، مجله پژوهش‌های قرآنی شماره ۲۵-۲۶.

[۱۰]سجادی مهدی، (۱۳۸۳) *بررسی تطبیقی زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن*. تهران :دانشور رفتار دانشگاه شاهد شماره ۶ صص ۴۳-۵۴.

[۱۱]مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۲)، از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران : نشر و پژوهش شیراز.

[۱۲]فریدمن، جین (۱۳۸۱) فمینیسم، ترجمه فیروز مهاجر، چ اول .تهران :انتشارات آشیان.

[13]Butler. j.(1999) Gender trouble . Feminism and the subversion of Identity . Rout ledge . New York .p.73.

[14]Elizabeth Fox_ Genovese women & The future of family ,Baker & the center for public ,justice 2000,cap .4.

[۱۵]حاتمی راد، الهه (۱۳۸۵) نقد و بررسی (سند و متن) احادیث منسوب به امام علی علیه‌السلام در نکوهش زن پایان نامه (کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه الزهراء. دانشکده الهیات.

[۱۶]علائی رحمانی فاطمه (۱۳۷۰) زن از دیدگاه نهج‌البلاغه، پایان نامه (کارشناسی ارشد). الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.

[۱۷]برهانی مرجان (۱۳۸۶) پایان نامه (کارشناسی ارشد) جایگاه زنان در عصر پیامبر (ص) دانشگاه شیراز.

[۱۸]پور زر جوع عباس (۱۳۸۵) در راهکارهای تربیتی امام علی (ع) در نامه‌ی سی و یک نهج‌البلاغه، پایان نامه (کارشناسی ارشد). مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

[۱۹]نوری همدانی، حسین، (۱۳۸۳) جایگاه بانوان در اسلام. قم: انتشارات مهدی موعود (عج) صص ۴۹-۲۱.

[۲۰]جوادی محمدرضا (۱۳۷۸) *گزیده ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه تألیف علامه جعفری*. قم: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

[۲۱]سوره آل‌عمران : آیه ۳۶.

[۲۲]معین الاسلام مریم (۱۳۸۰) *زن در نهج‌البلاغه با نگرش روان شناختی*. ماهنامه پیام زن شماره ۱۱۴-۱۱۵ .

[۲۳]نهج‌البلاغه (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی. چاپ شانزدهم، قم : موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) حکمت ۹۴.

[۲۴]شرح ابن ابی الحدید «شرح نهج‌البلاغه» نرم افزار کامپیوتری شرح، ج ۲۰ .

[۲۵]نهج‌البلاغه (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی. چاپ شانزدهم، قم : موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) نامه ۳۱.

[۲۶]کاردان علی محمد و دیگران (۱۳۸۶) *فلسفه تعلیم و تربیت جلد اول*، پژوهشکده حوزه و دانشگاه انتشارات سمت ص ۵۶ .

[۲۷]بستان، حسین (۱۳۸۸)اسلام تفاوت‌های جنسیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر امور بانوان وزارت کشور، موسسه‌ی چاپ زیتون.

[۲۸]ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون جلد ۲، بیروت، داراحیاالتراثاعربی، بی تا.

[۲۹]نهج‌البلاغه (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی. چاپ شانزدهم. قم : موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) **خطبه ۸۰**.

[۳۰]جوادی آملی عبدالله، سعید بندعلی (۱۳۸۸) «زن در آینه جمال و جلال» ناشر :اسراء.

[۳۱]سوره زخرف / آیه ۱۸.

[۳۲]سوره نساء/ آیه ۷.

[۳۳]سوره نساء/ آیه ۱۱.

[۳۴]سوره نساء/ آیه ۱۲.

[۳۵]نهج‌البلاغه (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی. چاپ شانزدهم، قم : موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) خطبه ۹۷.

[۳۶]باقری خسرو (۱۳۷۸)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی جلد اول*. تهران: انتشارات مدرسه.

[۳۷]سوره زمرآیه ۹ .

[۳۸]سوره عنکبوت آیه ۴۳.

[۳۹]سوره فاطر آیه ۲۸.

[۴۰]سوره توبه آیه ۱۲۲.

[۴۱]الحرالعاملی وسایل الشیعه؛ جلد ۸، باب ۸ طهران، المکتبه الاسلامیه ص ۱۲۴.

[۴۲]الحرالعاملی وسایل الشیعه؛ جلد ۱۴، باب ۱ طهران، المکتبه الاسلامیه، ص ۲

[43]Purvis,june(1998) women's history and post structuralism .university of post mouth.uk.p.229.(به نقل از سجادی ۱۳۸۳)

[۴۴]سجادی، سید ابراهیم (۱۳۸۰) «قوامیت مردان بر زنان در خانواده» مجله پژوهش‌های قرآنی شماره ۲۷ –۲۸ پائیز و زمستان

[۴۵]سوره النحل : آیه ۹۷.

[۴۶]سوره غافر : آیه ۴۰.

[۴۷]سوره النساء : آیه ۱۲۴.

[۴۸]سوره النحل : آیه ۹۷.

[۴۹]سوره الحجرات : آیه ۱۳.

[۵۰]سوره آل‌عمران : آیه ۱۹۵.

[۵۱]صحیفه نور جلد ۱۱، ص ۲۳۵ .

[۵۲]صحیفه نور جلد ۲۷، ص ۱۰۹.